



# Journal of Islamic Propagation

---

Volume 5 ● No 11 ● Spring & Summer 2024

## An Analysis of Imam Sadiq's Propagation Method with Emphasis on Verse 125 of Surah An-Nahl

Seyyed Abdullah Ghadami\*

### Abstract

This study aims to explore Imam Sadiq's approach to religious propagation, emphasizing verse 125 of Surah An-Nahl, and analyzing his effective methods of conveying Islamic teachings. Based on this Quranic verse, the paper examines three significant methods in Imam Sadiq's propagation approach—wisdom (*bikmah*), admonition (*marw'iza*), and argument (*mujadalah*)—through a descriptive-analytical approach. Imam Sadiq used specific methods and styles for the success of Islamic propagation and the delivery of the divine message. These methods align with the Quranic approaches outlined in Surah An-Nahl (wisdom, admonition, and argument) and are in harmony with the techniques of divine messengers. Imam Sadiq employed reasoning and rational arguments to strengthen people's beliefs, taking into account the competence, capacities, and conditions of his audience when using the method of wisdom. In the admonition method, which aims to engage individuals' emotional and psychological inclinations, he used encouragement and warning, advice, respect for the audience, emotional appeal, and goodwill. Additionally, in the argumentation method, Imam Sadiq engaged in respectful debates, tailoring his approach to the specific circumstances to promote the religion.

### Keywords

Verse 125 of Surah An-Nahl, Imam Sadiq, Propagation Methods, Wisdom, Admonition, Argumentation.

---

\* Level Four in Islamic Seminary of Qom.

## جستاری در روش تبلیغی امام صادق علیه السلام با تأکید بر آیه ۱۲۵ سوره نحل

سید عبدالله قدمی\*

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف به دست آوردن روش تبلیغی امام صادق علیه السلام با تأکید بر آیه ۱۲۵ سوره نحل انجام شده و به تحلیل روش های مؤثر تبلیغی ایشان می پردازد. این مقاله با توجه به آیه ۱۲۵ سوره نحل، به بررسی سه روش مهم: حکمت، موعظه و مجادله در سیره تبلیغی امام صادق علیه السلام با شیوه های توصیفی - تحلیلی خواهد پرداخت. امام صادق علیه السلام برای موفقیت در تبلیغ دین مبین اسلام و رساندن پیام الهی، از روش ها، شیوه ها و سبک های خاصی در تبلیغ دین و نشر معارف استفاده کرده است. این روش ها مطابق با روش های قرآنی مطرح شده در سوره نحل (حکمت، موعظه و مجادله) و هماهنگ با روش تبلیغی مبلغان الهی بوده اند.

امام صادق علیه السلام با استفاده از استدلال و دلایل عقلی، به تقویت باورهای مردم می پرداخت و در روش تبلیغی حکمت، شایستگی مخاطب، ظرفیت آنها و مقتضیات حال مخاطبان را برای بیان دلایل عقلی در نظر می گرفت. در روش موعظه که به منظور استفاده از عواطف و گرایش های روحی و روانی افراد برای تبلیغ به کار گرفته می شود، امام صادق علیه السلام از بشارت و انذار، نصیحت، تکریم مخاطب، برخورد احساسی و خیرخواهی بهره می برد. همچنین، در روش مجادله، ایشان از شیوه مناظره احسن با توجه به شرایط خاص برای تبلیغ امر دین استفاده می کرد.

**کلیدواژگان:** آیه ۱۲۵ نحل، امام صادق علیه السلام، روش های تبلیغی، حکمت، موعظه، مجادله.

## مقدمه

هدایت مردم و تبلیغ دین، از مهم‌ترین مسائل در زندگی ائمه علیهم‌السلام بوده است. سیره تبلیغی امامان به‌عنوان مبلغان موفق باید مورد توجه عالمان دینی که وارثان آنان هستند، قرار بگیرد. به همین جهت در این پژوهش، سیره تبلیغی امام صادق علیه‌السلام مورد بررسی قرار می‌گیرد. ضرورت و اهمیت انتخاب این تحقیق، آن است که آنچه در تبلیغ و نشر معارف باید مورد توجه قرار گیرد، لزوم استفاده از روش‌ها و شیوه‌های صحیح و درست در این امر خطیر است. امام صادق علیه‌السلام در شرایط خاص سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، زمام امور را بر عهده گرفت و به‌عنوان امام و رهبر شیعه، بهترین تأثیر را در نشر، تبلیغ و ترویج معارف شیعی ایفا کرد و توانست مکتب فکری شیعه را در جهان به نام مذهب جعفری ماندگار کند.

سیره تبلیغی امام صادق علیه‌السلام به‌عنوان مبلغ موفق که از شیوه‌ها و روش‌های خاصی استفاده نموده، بهترین منبع و الگو در زمینه تبلیغ و نشر معارف برای استفاده مبلغان و مرییان به شمار می‌رود.

در پیشینه این تحقیق، کتابی با عنوان اصول و روش‌های تبلیغی امام صادق علیه‌السلام منتشر شده و در میان پایان‌نامه‌ها، پایان‌نامه‌ای تحت عنوان «بررسی سیره تبلیغی امام صادق علیه‌السلام» وجود دارد. همچنین، در میان مقالات، مقاله‌ای با عنوان «جستاری در روش تبلیغی حضرت ابراهیم علیه‌السلام با تأکید بر آیه ۱۲۵ سوره نحل» منتشر شده است. با این حال، در خصوص ارتباط میان آیه ۱۲۵ سوره نحل و روش‌های تبلیغی امام صادق علیه‌السلام، تاکنون کتاب، پایان‌نامه یا مقاله‌ای به چاپ نرسیده است. این تحقیق به‌طور خاص و منحصر به فرد، بر آیه ۱۲۵ سوره نحل تمرکز دارد و هدف آن، بررسی رابطه میان این آیه و روش‌های تبلیغی امام صادق علیه‌السلام است.

این پژوهش، درصدد است به روش توصیفی و تحلیلی، به این سؤال اساسی پاسخ دهد که امام صادق علیه‌السلام بر اساس الگوی قرآنی آیه ۱۲۵ سوره نحل، از چه روش‌های تبلیغی استفاده کرده است؟ روش‌های حکمتی، چه شرایطی در سیره تبلیغی امام صادق علیه‌السلام داشته است؟ روش‌های عاطفی، در سیره تبلیغی امام صادق علیه‌السلام کدام‌اند؟ روش‌های مجادله‌ای، در سیره تبلیغی امام صادق علیه‌السلام کدام‌اند؟

## مفهوم‌شناسی

### - تبلیغ

تبلیغ، به معنای: خبر دادن، اعلام، اخطار، انذار و ابلاغ می‌باشد (بستانی، فؤاد افرام/ مهیار، رضا، ۱۳۷۵ش، ص ۲۰۷). «مسئله تبلیغ، به همان معنای صحیح و واقعی، رساندن و شناساندن يك پیام به مردم است؛ آگاه ساختن مردم به يك پیام و معتقد کردن و متمایل نمودن و جلب کردن نظرهای مردم به يك پیام است» (مطهری، ۱۳۸۳ش، ج ۱۷، ص ۳۵۰).

### - حکمت

حکمت، به معنای دستیابی به حقیقت از طریق دانش و عقل است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۹). مراد از حکمت، حجتی است که حق را نتیجه دهد؛ آن هم طوری نتیجه دهد که هیچ شک و وهن و ابهامی در آن نماند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۳۷۱)؛ به تعبیر دیگر، دست انداختن در درون فکر و اندیشه مردم و به حرکت درآوردن آن و بیدار ساختن عقل‌های خفته، نخستین گام محسوب می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۱، ص ۴۵۵).

### - موعظه

«وعظ، تذکر و یادآوری سخنی است که با خیر و خوبی همراه باشد و قلب و دل را لطیف و روشن سازد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۴۶۹). «موعظه، کلامی است که به دل نرمی و رقت می‌دهد، قساوت را از دل می‌برد، خشم و شهوت را فرو می‌نشاند، هواهای نفسانی را تسکین می‌دهد، به دل صفا و جلا می‌دهد» (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۵، ص ۳۴۴). «در حقیقت، حکمت از بُعد عقلی وجود انسان استفاده می‌کند و موعظه حسنه از بعد عاطفی» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۱، ص ۴۵۶).

### - مجادله

«جدل، صنعتی علمی است که انسان با استفاده از آن می‌تواند بر حسب امکان و با بهره‌گیری از مقدمات مسلم [و مورد قبول مخاطب]، برای اثبات هر مطلوبی که می‌خواهد و دفاع از هر ادعایی که در نظر دارد، دلیل اقامه کند؛ به گونه‌ای که نقضی بر وی وارد نشود» (مظفر، ۱۴۲۰ق، ص ۳۲۳). «گاهی جدال را مناظره نیز می‌گویند» (همان، ص ۳۱۹). «این سومین گام، مخصوص کسانی است که ذهن آنها قبلاً از مسائل نادرستی انباشته شده و باید از طریق مناظره

ذهنشان را خالی کرد، تا آمادگی برای پذیرش حق پیدا کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۱، ص ۴۵۶).

### روش های تبلیغی امام صادق علیه السلام

با توجه به آیه ۱۲۵ سوره نحل که می فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، سه روش اصلی برای تبلیغ و دعوت به حق مشخص می شود. امام صادق علیه السلام نیز از همین روش ها بهره برداری کرده است:

#### ۱. حکمت

«منظور از حکمت، بیان مصالح و استدلال و برهان است؛ نسبت به کسانی که اهل استدلال و منطقی هستند» (قرشی بنابی، ۱۳۷۵ ش، ج ۵، ص ۵۲۲). حکمت، یکی از روش های تبلیغی اولیای الهی و مبلغان دینی در کنار موعظه و مجادله بوده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ» (نحل، آیه ۱۲۵). امام صادق علیه السلام از روش حکمت در تبلیغ دین با شرایطی استفاده کرده که عبارت اند از:

#### ۱-۱. رعایت شایستگی مخاطب

مبلغان الهی برخی از معلومات را در اختیار مخاطبان عام قرار نمی دادند؛ بلکه در کتمان آن نیز کوشش می نمودند؛ زیرا القای دانشی که مخاطبان برای درک آن شایسته نیستند، موجب پریشانی و تباهی ذهن و حتی ممکن است باعث گمراهی مخاطب شود.

بنابراین، امام صادق علیه السلام می فرماید: حضرت مسیح علیه السلام می فرمود: «فَكَذِّبَكَ لَا تُحَدِّثُوا بِالْحِكْمَةِ غَيْرَ أَهْلِهَا فَتَجْهَلُوا وَلَا تَمْنَعُوهَا أَهْلَهَا فَتَأْتُمُوا؛ همچنین، شماها نیز حکمت را برای غیر اهل آن بازنگویید، تا نادانی کرده باشید و از اهل آن دریغ نکنید که گناه مرتکب شوید؛ بلکه باید هر يك از شما به مانند طیبی درمان کننده باشید؛ اگر جای مناسبی برای دوا و درمان خویش بیند، دریغ نکند؛ وگرنه خودداری کند.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۳۴۵).

به نمونه هایی از رعایت شایستگی مخاطب در بیان معارف الهی در سیره امام صادق علیه السلام اشاره می کنیم:

الف. امام صادق علیه السلام فرمود: روزی نزد علی بن حسین علیه السلام سخن از تقیه پیش آمد. آن حضرت فرمود: «وَاللَّهِ لَوْ عَلِمَ أَبُو ذَرٍّ مَا فِي قَلْبِ سَلْمَانَ لَقَتَلَهُ؛ به خدا اگر ابوذری می دانست آنچه در دل سلمان بود، او را می کشت.» (همان، ج ۱، ص ۴۱۰).

ب. سفیان ثوری می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! کار لوح و قلم و جوهر را برایم واضح‌تر تشریح نمایید و از علومی که خدا به شما آموخته، به من یاد دهید. امام صادق علیه السلام فرمود: «يَا ابْنَ سَعِيدٍ لَوْ لَا أَنَّكَ أَهْلٌ لِلْجَوَابِ مَا أَجَبْتُكَ؛ ای ابن سعید! اگر شایسته پاسخ نبودی، جوابت را نمی‌گفتم.» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۲۳).

ج. مهزم از حضرت صادق علیه السلام در باره باب جبر و تفویض سؤال می‌کند. آن حضرت دو یا سه بار دستان خود را بر هم می‌فشارد و سپس می‌فرماید: «لَوْ أَجَبْتُكَ فِيهِ لَكَفَرْتَ؛ اگر پاسخت را بگویم، کافر می‌شوی.» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۳۶۳).

#### ۲-۱. رعایت ظرفیت مخاطب

یکی از مهم‌ترین اصول تبلیغی، سنجیدن وسعت فهم مخاطبان و سخن گفتن به اندازه ظرفیت آنان است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «التَّائِسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ السَّهَبِ وَالْفِضَّةِ...؛ مردم معدن‌هایی هستند؛ چون معدن‌های طلا و نقره. پس، هرکه در دوران جاهلیت ریشه و اصلی داشته [و عنصر پاکی بوده یا از اهل شرف بوده]، در اسلام نیز همان ریشه و اصل را داراست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۷۷).

در اینجا به ظرفیت‌های مختلف مخاطبان اشاره می‌کنیم:

#### الف. ظرفیت فکری

مخاطبان از نظر قدرت فهم و میزان درک و مقدار تحمل، در یک سطح نیستند. بعضی‌ها بی‌سواد و بعضی نیز باسواد هستند. برخی از باسوادها اهل مطالعه‌اند و از آگاهی زیادی برخوردار هستند. این مسئله نیز در تبلیغ باید مورد توجه قرار گیرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید که پیامبر در باره سیره انبیاء الهی این‌طور می‌فرمود: «إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمُونَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ؛ ما گروه پیامبران، فرمان گرفته‌ایم که با مردم به اندازه عقل‌هایشان سخن گوئیم» (همان، ج ۱، ص ۲۳).

امام صادق علیه السلام در خصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ قَطُّ؛ رسول خدا هیچ‌وقت با بندگان خدا به قدر نهایت عقل خود سخن نگفت» (همان).

امام صادق علیه السلام می‌فرمود: «عِيسَى عَلَيْهِ السَّلَام مِثْلَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِسْتَادَ وَكَفَّتْ: «يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تُحَدِّثُوا الْجُهَالَ بِالْحِكْمَةِ فَتُظْلِمُوهَا وَلَا تَمْنَعُوهَا أَهْلِهَا فَتُظْلِمُوهُمْ؛ ای بنی اسرائیل! خبر حکمت را

به نادانان نگوید که به ایشان ستم کرده باشید و از اهل حکمت آن را بازندارید که به آنها ستم کرده باشید» (همان، ص ۴۲). مقصود از حکمت، حقایق و دقایق دین است که هر مغزی تحمل درک آن را ندارد.

درواقع، اگر معارف الهی را که مخاطب ظرفیت شنیدن یا تحمل آن را ندارد، برای او بیان کنی، ظلم به او حساب می‌شود و همچنین، دریغ کردن حق از مخاطب‌هایی که ظرفیت درک و فهم معارف را دارند، ظلم در حق آنان به شمار می‌رود.

به جهت همین تفاوت سطح عقل‌ها و اندیشه‌هاست که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسی که امر به معروف می‌کند، باید... تفاوت خرده‌های آنان را بشناسد تا هرکس را در جایگاهی که در حد و اندازه اوست، بنشانند» (جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۱۹).

آن حضرت در حدیث دیگر می‌فرماید: «رحمت خدا بر بنده‌ای که محبت مردم را به سوی خود کشاند. پس، برای آنها آنچه را برمی‌تابند، بازگو می‌کند و آنچه را انکار می‌کنند، وامی‌گذارد» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۲۵).

اگر موضوعی که مطرح می‌شود، متناسب با فهم نباشد، باعث دشنام به خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا حَدَّثْتُمُوهُمْ بِمَا يُنْكِرُونَ لَعَنَ اللَّهُ قَائِلَ هَذَا وَ قَدْ قَالَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولُهُ؛ وقتی شما چیزی را که نمی‌فهمند، برای آنها بازگو می‌کنید، می‌گویند: خداوند گوینده این گفتار را لعنت کند؛ درحالی‌که خداوند و رسولش آن را گفته‌اند» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۶۰).

از امام صادق علیه السلام راجع به امام سؤال شد که آیا کار به او واگذار شده است؛ چنان‌که به سلیمان بن داود واگذار شده بود؟ فرمود: آری. دلیلش این است که: مردی از امام مسئله‌ای پرسید و آن حضرت به او جواب داد. سپس، دیگری همان مسئله را پرسید و او جوابی برخلاف جواب اول گفت. باز دیگری همان مسئله را پرسید و او جوابی برخلاف آن دو جواب گفت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۳۸).

#### - نمونه پاسخ متناسب با فهم مخاطب

از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: آیا خداوند می‌تواند تمام جهان را در تخم مرغی بگنجاند که نه تخم مرغ بزرگ شود و نه جهان کوچک؟ امام علیه السلام فرمود: «إِنَّ الَّذِي قَدَّرَ أَنْ يُدْخَلَ الَّذِي تَرَاهُ

الْعَدْسَةَ أَوْ أَقَلَّ مِنْهَا قَادِرٌ أَنْ يُدْخَلَ الدُّنْيَا كُلَّهَا الْبَيْضَةَ لَا تَضَعُ الدُّنْيَا وَلَا تَكْبُرُ الْبَيْضَةَ؛ آنکه توانست آنچه را تو می بینی، در يك عدس یا کوچک تر از عدس درآرد، می تواند جهان را در تخم مرغ درآورد؛ بی آنکه جهان کوچک و تخم مرغ بزرگ شود» (همان، ص ۷۹).

در جای دیگر، همین سؤال از امام صادق علیه السلام پرسیده شد. حضرت فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُنْسَبُ إِلَى الْعُجْزِ وَالَّذِي سَأَلْتَنِي لَا يَكُونُ؛ به درستی که خدا به عجز موصوف نمی شود و این کار، ممکن نیست» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۸). یعنی متعلق قدرت، باید یک امر ممکن باشد؛ زیرا قدرت به محال تعلق نمی گیرد و این کار، جزء محالات است.

### ب. ظرفیت جسمی

در میان مخاطبان ممکن است کسانی باشند مانند: پیرها، بیمارها و یا کودکان که توان و حوصله آنان محدود است؛ حتی افراد عادی نیز ممکن است ظرفیت محدودی داشته باشند. بنابراین، باید همواره حال مخاطب را رعایت نمود. امام صادق علیه السلام می فرمود: «لَا تَحْمِلَنَّ عَلَيْهِ مَا لَا يُطِيقُ فَتَكْسِرَهُ فَإِنَّ مَنْ كَسَرَ مُؤْمِنًا فَعَلَيْهِ جِبْرَةٌ؛ بر او بار مکن، آنچه را تاب نیارد؛ تا او را بشکنی؛ زیرا هرکس مؤمنی را بشکند، بر اوست که شکست او را ببندد و جبران کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۵).

امام صادق علیه السلام فرمود: «همانا برخی از مسلمانان، يك سهم و برخی دو سهم و برخی سه سهم و برخی چهار سهم و برخی پنج سهم و برخی شش سهم و برخی هفت سهم [از ایمان را] دارند. پس، سزاوار نیست که صاحب يك سهم را بر آنچه صاحب دو سهم دارد، وادارند و نه صاحب دو سهم را بر آنچه صاحب سه سهم دارد و نه صاحب سه سهم را بر آنچه صاحب چهار سهم دارد و نه صاحب چهار سهم را بر آنچه صاحب پنج سهم دارد و نه صاحب پنج سهم را بر آنچه صاحب شش سهم دارد و نه صاحب شش سهم را بر آنچه صاحب هفت سهم دارد.»

امام صادق علیه السلام در ادامه حدیث، حکایتی نقل می کند. مردی مؤمن، همسایه ای نصرانی داشت که او را به اسلام دعوت کرد و شب و روز از او اعمال و مناسک می خواست. پس از مدتی، آن تازه مسلمان به او گفت: «برای این دین، شخصی بیکارتر از من پیدا کن؛ زیرا من مستمند و عیال وار هستم.» امام صادق علیه السلام فرمود: «أَدْخَلَهُ فِي شَيْءٍ أَخْرَجَهُ مِنْهُ أَوْ قَالَ أَدْخَلَهُ مِنْ مِثْلِ ذِهِ وَ أَخْرَجَهُ مِنْ مِثْلِ هَذَا؛ [با تبلیغ] او را در دینی وارد کرد که [با سختگیری] از آن بیرونش



آورد؛ [زیرا ریاضت‌کشی و فشار يك روز عبادت، سبب شد که به دین نصرانیت خود برگردد]. «یا آنکه فرمود: «او را در چنین [سختی و فشار گذاشت] و از چنان [دین محکم و مستقیم] خارج کرد» (همان). از این روایت استفاده می‌شود که این فرد با تبلیغ نادرست، یک تازه‌مسلمان را مرتد کرده است. پس، باید خیلی مواظب باشیم که رفتارهای تبلیغی ما باعث گمراهی کسی نشود.

### ۳-۱. رعایت مقتضای حال

مبلغان الهی، هماهنگ و متناسب با مخاطبان خود تبلیغ می‌نمودند و می‌دانستند که مخاطبان در چه شرایطی هستند و مطابق با مقتضای حال آنان سخن می‌راندند. «جعفر طیار، نماینده رسول خدا و سخنگوی هیئت اعزامی به حبشه، وقتی می‌خواست در باره اسلام برای حاکم «حبشه» که مسیحی بود، صحبت کند، آیاتی چند از آغاز سوره «مریم» را خواند و به خواندن آیات این سوره ادامه داد و نظر اسلام را در باره پاکدامنی مریم و موقعیت عیسی روشن ساخت» (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۷۷).

این شیوه سخن گفتن، خود نوعی صحبت کردن مطابق مقتضای حال است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بدانچه برای سودی ندارد، سخن مگو و بسیاری از کلام سودبخش خود را واگذار؛ مگر آنکه جایی برای آن بیایی. چه بسا گوینده سخن نیک به حق که نابجا سخن می‌گوید و به زحمت می‌افتد» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳ق، ص ۳۷۹).

در جای دیگر، خطاب به اصحاب خود می‌فرماید: «هیچ‌کس بدانچه برایش سودی ندارد، سخن نگوید و در آنجا که مفید است، بسیاری از گفتار را وانهد؛ مگر آنکه جای مناسب برای آنان بیابد که بسی گوینده که نابجا سخن گفته و با گفتارش بر خود جفا کرده است» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۲۴).

گروهی برای شنیدن حدیث خدمت حضرت صادق علیه السلام آمدند. گفته شد اینها گروهی هستند که حدیث جمع‌آوری می‌کنند و اهمیتی نمی‌دهند گوینده حدیث، کیست. امام صادق علیه السلام خطاب به آنان فرمود: «اَكْتُبْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي، قَالَ مَا اسْمُكَ قَالَ: مَا تَسْأَلُ عَنِ اسْمِي؛ بنویس: «بسم الله الرحمن الرحيم» حدیث کرد مرا پدرم از جدّم. پرسید: اسم شما چیست؟ فرمود: به اسم من چکار داری. پیغمبر اکرم فرمود: خداوند ارواح را دو هزار سال قبل از بدن‌ها آفرید. هرکدام از آنجا با هم علاقه و انسی داشتند، در این دنیا

نیز با هم الفت و دوستی پیدا کردند. هرکدام در آنجا نفرت داشتند، اینجا نیز با هم اختلاف پیدا کردند. هرکس بر ما خانواده دروغ ببندد، روز قیامت کور و یهودی محشور می‌شود و اگر دجال را بیاید، به او ایمان می‌آورد. اگر او را درک نکند، در قبر به او ایمان می‌آورد» (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۹۳-۳۹۷). در اینجا امام صادق علیه السلام متوجه شد اینان کسانی هستند که از هرکس حدیث نقل می‌کنند و به صحت و سقم حدیث کاری ندارند. از این رو، حدیثی متناسب با مقتضای حال آنان نقل فرمود.

## ۲. عاطفی

غرض از موعظه، تذکر و بیداری و تحریک عقیده و حُسن دینی است، نسبت به کسانی که ایمان دارند؛ ولی غافل می‌باشند (قرشی بنابی، ۱۳۷۵ش، ج ۵، ص ۵۲۲). موعظه و تحریک عواطف انسانی، یکی دیگر از روش‌های تبلیغی است که قرآن بیان نموده است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ» (نحل، آیه ۱۲۵). در ادامه، مواردی را که امام صادق علیه السلام از این روش استفاده نموده، می‌آوریم:

### ۱-۲. بشارت و انذار

بشارت و انذار، از روش‌های دعوت انبیا و ائمه علیهم السلام بوده است. کسی که سراسر وجودش را امید و رضایت گرفته و نسبت به آینده خود هیچ احساس نگرانی ندارد، نیازی نمی‌بیند تا در جهت کسب اموری که او را از خطرهایی که بر سر راه دارد، آگاه می‌سازد، گامی بردارد؛ همچنان‌که شخص ناامید و مأیوس از فلاح و رستگاری، انگیزه‌ای در خود نمی‌یابد تا به کار و تلاش مبادرت ورزد. در تعلیمات قرآن کریم، همواره بر ایجاد بشارت و انذار در مؤمنان، تأکید شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبا، آیه ۲۸).

فقیه واقعی، کسی است که اهل بشارت و انذار است. امام صادق علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: آیا از آنکه به حقیقت فقیه است، به شما خبر ندهم؟ او کسی است که مردم را از رحمت خدا ناامید نکند و از عذاب خدا ایمن نسازد و به آنها رخصت گناه ندهد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۶).

در حدیث دیگر، امام صادق علیه السلام فرمود: «پدرم می‌فرمود: هیچ بنده مؤمنی نیست، جز آنکه

در دلش دو نور است: نور ترس و نور امید. اگر این وزن شود، از آن افزون نباشد و اگر آن وزن شود، از این افزون نباشد» (همان، ج ۲، ص ۷۱).

### الف. بشارت

از ظاهر آیات قرآن چنین بر می آید که بشارت باید قبل از انذار باشد؛ چون خداوند بشارت را قبل از انذار ذکر کرده است؛ آنجا که فرموده: «بشیراً و نذیراً.» در سیره مبلغان الهی نیز وعده دادن به بهشت و نعمت‌های اخروی، مقدم بر وعید دادن به جهنم و عذاب الهی است. امام صادق علیه السلام نیز در تبلیغ دین اسلام، بارها از این روش استفاده نموده است؛ از باب نمونه، به مواردی اشاره می‌کنیم.

شخصی از مأموران و نویسندگان بنی امیه خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید. امام به او فرمود: «اُخْرِجْ مِنْ جَمِيعِ مَا كَسَبْتَ فِي دَوَائِبِهِمْ فَمَنْ عَرَفَتْ مِنْهُمْ رَدَدْتُ عَلَيْهِ مَالَهُ وَ مَنْ لَمْ تَعْرِفْ تَصَدَّقْتُ بِهِ وَ اَنَا اُضْمَنُ لَكَ عَلَى اللَّهِ الْجَنَّةَ؛ هر چه در کار حکومتی آنها به دست آورده‌ای، رها کن. هر کدام را می‌شناسی، حق آنها را می‌دهی و هر کدام را نمی‌شناسی، از طرف آنها صدقه می‌دهی. من از جانب خدا برای تو ضمانت بهشت را می‌کنم» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۲۴۰).

فردی می‌گوید: من يك بدهی مالیاتی داشتم که با پرداخت آن، تمام ثروت و مال من از بین می‌رفت. به من گفتند فرماندار، شخصی شیعه است. می‌ترسیدم او را ببینم؛ مبادا آنچه گفته‌اند، صحیح نباشد. در نتیجه، زندگی من متلاشی شود. پناه به خدا بردم و خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید، از آن جناب تقاضای کمک کردم. نامه کوچکی نوشت: «خدا را زیر عرش سایبانی است؛ زیر آن سایبان، کسی ساکن می‌شود که رنجی از دل برادر مؤمن خود بردارد یا با جان خویش به او کمک کند و یا نیکی به او بنماید؛ هر چند با يك دانه خرما باشد. این مرد، برادر تو است» (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۸۹).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر که برای خدا در راه حاجت برادر مسلمانش کوشش کند، خدای بلند مرتبه برایش هزار هزار حسنه نویسد که بدان سبب، خویشان و همسایگان و برادران و آشنایانش آمرزیده شوند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۹۷).

همچنین، در بیانی دیگر فرمود: «سه چیز وجود دارد که اگر کسی یکی از آنها را برای خدا

انجام دهد، خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند: انفاق در حال تنگدستی، خوش‌رویی با مردم و منصف بودن و به حق قضاوت کردن» (همان، ص ۱۰۳).

### ب. انذار

مبلغان الهی، همواره دادن بیم و آگاهی به مخاطبان نسبت به عاقبت و فرجام بی‌ایمانی را در دستور کار تبلیغی خویش داشته‌اند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ» (آل عمران، آیه ۴).

مالک جهنی می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: خدای بلندمرتبه از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ» (انعام، آیه ۱۹). «این قرآن به من وحی شد، تا به وسیله آن شما و هرکه را به او می‌رسد، بیم دهم.» فرمود: «مَنْ بَلَغَ أَنْ يَكُونَ إِمَامًا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَهُوَ يُنذِرُ بِالْقُرْآنِ كَمَا أَنْذَرَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله؛ هرکس از آل محمد که به درجه امامت برسد، به وسیله قرآن بیم می‌دهد؛ چنان‌که رسول خدا با آن بیم داد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۱۶).

در سیره تبلیغی امام صادق علیه السلام انذار نیز وجود دارد. در اینجا به مواردی از آن اشاره می‌کنیم: «ای اسحاق بن عمار! به من خبر رسیده که در منزلت دربان گذاشته‌ای تا فقرای شیعه را راه ندهند. فرمود: «أَفَلَا خُفَّتِ الْبَيْتَةُ؛ آیا از بلا نترسیدی؟» (همان، ج ۲، ص ۱۸۱).

و یا آن حضرت در بیانی دیگر می‌فرمود: «مَنْ أَعَانَ عَلَى مُؤْمِنٍ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ آيسٌ مِنْ رَحْمَتِي؛ هرکه با نیم‌کلمه بر ضرر مؤمنی کمک کند، روز قیامت خدای بلندمرتبه را ملاقات می‌کند و میان دو چشمش نوشته است: ناامید است از رحمت من» (همان، ص ۳۶۸).

در حدیث دیگر، امام علیه السلام فرمود: «مَنْ اسْتَفْتَحَ نَهَارَهُ بِإِدَاعَةِ سِرِّنَا سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ حَرَّ الْحَدِيدِ وَ ضَبِيقَ الْمَحَابِسِ؛ هرکس روز خود را با فاش کردن سرّ ما آغاز کند، خداوند بر او سختی‌های حرارت آهن و تنگناهای زندان را مسلط گرداند» (همان، ص ۳۷۲). این فرمایش امام، با توجه به شرایط دوره عباسیان و دشمنی آنان با اهل بیت علیهم السلام بیشتر قابل درک است.

### ۲-۲. نصیحت

یکی دیگر از روش‌های تبلیغ، موعظه و نصیحت است که در سیره مبلغان الهی هم فراوان

بوده است. لقمان حکیم بارها فرزندش را با تعبیر «یا بنی: ای فرزندم»، نصیحت و موعظه کرده است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

لقمان به فرزندش گفت: «یا بَنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (لقمان، آیه ۱۷)؛ پسرم! نماز را بر پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر مصیبتی که به تو می رسد، شکیبا باش که این از کارهای مهم است.»  
انبیای گذشته و اولیای الهی، اهل موعظه و نصیحت بوده اند. امام صادق علیه السلام در این حدیث نصیحت های حضرت داود علیه السلام به حضرت سلیمان علیه السلام را در حدیثی نقل می کند (حمیری، ۱۴۱۳ق، ص ۶۹).

همچنین، در جای دیگر امام صادق علیه السلام می فرماید: «در حکمت آل داود (کتاب زبور) است که: بر عاقل لازم است که به وضع زمان خود آشنا باشد، سرگرم کار خود بوده، زبانش را حفظ کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۶).

استفاده از این روش را در سیره امام صادق علیه السلام بارها می بینیم که امام علیه السلام فرزندان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳۶؛ همان، ج ۴، ص ۶۶؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۱۵۷)، بعضی از اصحاب (صنفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۴۳؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۶؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۱۶۵) و یا عموم شیعیان (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۸۳؛ ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۳۵۹) را موعظه و نصیحت می کند.

### ۳-۲. تکریم مخاطب

مبلغان الهی با تکریم و احترام، با مخاطبان خود برخورد می کردند و با همه اقشار، اصناف و طبقات، حتی در مواجهه با کافران و مشرکان، با نهایت ادب و احترام سخن می گفتند و رفتار می کردند. آنها از هرگونه اهانت و تحقیر به دیگران پرهیز می کردند؛ چنان که در اوصاف پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم نوشته اند: «كَانَ لَا يُحَقِّرُ أَحَدًا أَنْ يُبَلِّغَهُ رِسَالَةَ رَبِّهِ؛ رسول خدا در هنگام رساندن رسالت پروردگارش به دیگران، هیچ کسی را تحقیر نمی کرد» (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۵۴).

از این رو، خداوند کرامتی را که به انسان داده و ظرفیت بالایی را که به او بخشیده، یادآوری می کند: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء، آیه ۷۰).

بنابراین، انسان ها نیز مورد احترام و تکریم ملائکه الهی قرار می گیرند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«هنگامی که رسول خدا ﷺ را در معراج سیر داده و وقت نماز رسید، جبرئیل اذان و اقامه گفت و سپس، به پیامبر ﷺ گفت: ای محمد! پیش رو. پیامبر خدا ﷺ فرمود: ای جبرئیل! تو جلو بایست. اما جبرئیل عرض کرد: «إِنَّا لَا نَتَقَدَّمُ عَلَى الْأَدَمِيِّينَ مُنْذُ أَمْرِنَا بِالسُّجُودِ لِآدَمَ؛ از وقتی فرمان رسید به آدم سجده کنیم، ما و فرشتگان بر انسان‌ها مقدم نمی‌ایستیم» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۸).

امام صادق علیه السلام نیز برابر دستوره‌های الهی و سنت اسلامی با شیعیان، اصحاب و عموم مخاطبان خویش، با احترام و تکریم رفتار می‌کردند. مخاطبان آن حضرت، هیچ‌موقع از طرف امام علیه السلام تحقیر نمی‌شدند. امام علیه السلام عموم شیعیان (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۲۱۲) و یا برخی اصحاب و یاران خویش (مفید، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۱۶؛ همان، ص ۵۲) و حتی مخالفان (غیر شیعه) را تکریم می‌کرد. در مناظره با زندیق که از مصر آمده بود، حضرت بارها او را چنین خطاب می‌کند: «يَا أَحَا أَهْلِي مِصْرَ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۷۲).

مالک بن انس، فقیه مدینه گفته: من بسیار پیش جعفر بن محمد علیه السلام می‌رفتم. بالشی برای من پیش می‌نهاد و برای من احترامی قائل بود و می‌گفت: «إِنِّي أُحِبُّكَ: من تو را دوست می‌دارم.» «فَكُنْتُ أَسْرًا بِدَلِكِ وَ أَحْمَدُ اللَّهُ عَلَيْهِ؛ من نیز از مهربانی او به خود شادمان می‌شدم و خدای را ستایش می‌کردم» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۱۶۷). ابان بن تغلب می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی از اهل یمن وارد شد و سلام کرد و امام صادق علیه السلام پاسخ سلام او را داد و فرمود: «مَرْحَبًا بِكَ يَا سَعْدُ؛ خوش آمدی ای سعد!» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۴۸۹).

#### ۴-۲. برخورد احساسی

از آنجا که تبلیغ علاوه بر اندیشه و خرد انسان‌ها، با قلب و عواطف نیز سروکار دارد، مبلغان الهی به حسب مورد، شرایط و مخاطبان گوناگون، از بیان عاطفی برای تأثیرگذاری بیشتر استفاده می‌نمودند. استفاده از این روش را در قرآن مجید می‌بینیم؛ چنان‌که حضرت موسی علیه السلام خطاب به قوم خود با بیان مهربانانه و احساسی می‌گوید: «أَغْيِرَ اللَّهُ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَ هُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (اعراف، آیه ۱۴۰)؛ آیا غیر از خداوند، معبودی برای شما بطلبیم؟ خدایی که شما را بر جهانیان [و مردم عصرتان] برتری داد.»

امام صادق علیه السلام با پیروی از دستورات الهی و سنت اسلامی، حتی با بردگان نیز به شیوه‌ای

درست و آموزنده رفتار می‌کرد. روزی امام صادق علیه السلام غلامی را برای انجام کاری فرستاد. چون غلام دیر کرد، امام علیه السلام به دنبال او رفت، تا او را بیابد؛ اما او را در حال خوابیدن یافت. حضرت بالای سر او نشست و شروع به باد زدن کرد تا غلام بیدار شود. هنگامی که غلام بیدار شد، فرمود: «فلانی، به خدا قسم! به تو این قدر اجازه نداده‌اند که شب و روز را بخوابی. شب، مال توست برای خوابیدن، و روز ما باید از تو استفاده کنیم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۲).

در عصر و زمانی که بردگان پایین‌ترین شخصیت اجتماعی را در جامعه داشته‌اند، امام صادق علیه السلام با چنین برخورد مهربانانه و عاطفی، با غلام خود برخورد می‌کند و وظیفه‌اش را به او تذکر می‌دهد؛ حتی امام صادق علیه السلام با افرادی که اهل گناه بودند، در مواقع مناسب و با بیان احساسات خود، اشتباهات آنان را تذکر می‌دادند؛ به‌عنوان مثال، شقران که به گناهکاری معروف بود، امام صادق علیه السلام به او این چنین تذکر می‌داد: «يَا شُقْرَانُ إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَقْبَحُ؛ ای شقران! کار خوب، از همه مردم خوب است؛ ولی از تو بهتر است و کار زشت، از همه کس زشت است؛ ولی از تو زشت‌تر است» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۲۳۶). این صحبت و کلام امام، به دلیل شرب خمر شقران بوده است؛ چون وی اهل شراب‌خواری بود؛ ولی امام با این بیان عاطفی، می‌خواست که او از شرب خمر دست بردارد.

## ۲-۵. خیرخواهی

از شیوه‌های مبلغان الهی در تبلیغ دین، این است که نسبت به سرنوشت مخاطبان دلسوز و نسبت به آنان خیرخواه و دلسوز بوده‌اند. خداوند در قرآن در باره خیرخواهی انبیا می‌فرماید: «أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (اعراف، آیه ۶۲).

امام صادق علیه السلام در باره شرایط کسی که امر به معروف می‌کند، می‌فرماید: چنین کسی نیازمند آن است که «نَاصِحاً لِلْخَلْقِ، یعنی نسبت به مردم خیرخواه باشد. (جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۱۹).

امام صادق علیه السلام در زیارت امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «... نَاصِحاً وَ أَدَيْتَ أَمِيناً...؛ درود خدا بر تو باد! شهادت می‌دهم که تو بنده خدا و امین اوئی و خیرخواهانه ابلاغ کردی و امانت‌دارانه ادا نمودی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۷۲).

حضرت صادق علیه السلام در موقع زیارت ائمه بقیع، خطاب به ایشان می فرمود: «أَشْهَدُ أَنْكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فِي دَاتِ اللَّهِ؛ شهادت می دهم که شما ابلاغ کردید و خیر خواهی نمودید و در راه خدا پایداری ورزیدید» (همان، ص ۵۵۹).

صفت مشترک تمام اولیای الهی، نصیحت کردن و خیر خواهی خالصانه برای مخاطبان خود بوده است. وجود این صفت در زندگی امام صادق علیه السلام نیز بارز بوده است.

### ۳. مجادله

منظور از جدال نیکو، نقض کلام خصم و مقابله به مثل است؛ به شرط آنکه از طریق خوب و حُسن نیت باشد؛ چون مردم به این سه قسمت تقسیم می شوند: بعضی را باید موعظه کرد، برای برخی باید استدلال نمود و با بعضی دیگر باید مجادله کرد (قرشی بنایی، ۱۳۷۵ ش، ج ۵، ص ۵۲۲). اگر مخاطب با حکمت و موعظه امکان تبلیغ دین در باره او وجود ندارد و مخاطب متعصبی است و آمادگی استدلال و موعظه را ندارد، روشی که قرآن بیان می کند، مجادله یا جدال نیکوست؛ «وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (نحل، آیه ۱۲۵).

#### ۳-۱. جدال آحسن

بر مبلغان آگاه و خبره در امر مناظره، لازم است که در مقابل شبهه افکنان در دین با جدال آحسن به مقابله برخاسته و از دین دفاع نمایند. «تعبیر به «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، تعبیر بسیار جامعی است که تمام روش های صحیح و مناسب مباحثه را شامل می شود؛ چه در الفاظ، چه در محتوای سخن، چه در آهنگ گفتار و چه در حرکات دیگر همراه آن» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۶، ص ۲۹۹).

روزی در محضر امام صادق علیه السلام بحثی به میان آمد که رسول خدا صلی الله علیه و آله از مجادله و مباحثه در دین نهی نموده است. امام علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به طور مطلق از مجادله نهی نفرموده است؛ بلکه از آن سخن و گفت و گویی که نیکوتر نیست، منع نموده است... گفتند: ای زاده رسول خدا، از شما تقاضا می کنیم معنای مجادله آحسن و غیر آحسن را بیان فرمایید؟ امام صادق علیه السلام نمونه ای از مناظره درست را چنین بیان فرمود:

مناظره آحسن، مناظره ای است که خداوند پیامبرش را مأمور می کند تا با کسانی که منکر قیامت و زنده شدن مردگان هستند، مناظره کند. خداوند از پیامبر می خواهد با کسی که این



سخنان پوچ را می‌گوید، مناظره کند؛ «وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ» (یس، آیه ۷۸). خداوند در پاسخ به کسی که می‌پرسد چگونه ممکن است این استخوان‌های پوسیده دوباره زنده شوند، می‌گوید: «يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ. الَّذِي جَعَلَ لَكُم مِّنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ» (یس، آیه ۷۹-۸۰)؛ بگو: کسی که آنها را اولین بار آفرید، دوباره زنده‌شان می‌کند...» یعنی آیا به نظر شما آفرینش اولیه مخلوقاتی که از هیچ بوده‌اند، سخت‌تر است یا بازگرداندن آنها؟ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فَهَذَا الْجِدَالُ بِأَتْيِ هِيَ أَحْسَنُ، لِأَنَّ فِيهَا قَطْعَ عُذْرِ الْكَافِرِينَ وَ إِزَالَهَ شُبُهَاتِهِمْ؛ این، معنای مجادله احسن است که در آن، جای هیچ عذر و بهانه‌ای برای مخالف باقی نمی‌گذارد» و شبهه و اعتراضش، مطابق فهم او پاسخ داده می‌شود (حسن بن علی، ۱۴۰۹ق، ص ۵۲۹).

هدف از مناظره باید ایجاد فضایی برای درک درست حقایق باشد. روشنگری و بصیرت‌بخشی باید به‌عنوان هدف مناظره مورد توجه قرار گیرد. امام صادق علیه السلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ الْمِرَاءَ وَ الْخُصُومَةَ فَإِنَّهُمَا يُمْرِضَانِ الْقُلُوبَ عَلَى الْإِخْوَانِ وَ يَنْبِئُ عَلَيْهِمَا النَّفَا؛ از مجادله و ستیزه‌جویی پرهیزید؛ زیرا این رفتارها دل‌های دوستان و برادران را بیمار کرده و باعث نفاق و دشمنی می‌شوند» (شهید ثانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۱۷).

در جایی دیگر، حضرت صادق علیه السلام فرمود: «الْمِرَاءُ دَاءٌ دَوِيٌّ وَ لَيْسَ فِي الْإِنْسَانِ خَضَلَةٌ شَرٌّ مِنْهُ وَ هُوَ خُلِقَ لِإِبْلِيسَ؛ مجادله کردن، بیماری پست و سختی است و خصلتی نیست از برای انسان که بدتر از آن باشد و آن، از اخلاق مخصوص ابلیس بوده است.» (همان، ص ۱۷۱).

### ۲-۳. جدال غیر احسن

امام صادق علیه السلام فرمود: مجادله غیر احسن، مجادله‌ای است که به سبب آن، حقی را انکار و به باطلی معترف شوی و از خوف آنکه مطلوب او ثابت شود، حرف حق و صحیح را رد کنی و یا بخواهی سخن باطل را با جمله‌ای نادرست و باطل دیگری جواب دهی. این‌گونه مجادله که موجب گرفتاری پیروان ناتوان ما و نیز اهل باطل است، حرام و ممنوع می‌باشد. (حسن بن علی علیه السلام، ۱۴۰۹ق، ص ۵۲۸).

همچنین آن حضرت می‌فرماید: جدال غیر احسن، این است که منکر حقی شوی که تمیز حق و باطل طرف بحث را از تو سلب می‌کند و با این کار، تنها او را از باطلش دور می‌سازی؛ نه

اینکه به حق نزدیکش نمایی. این شیوه، ممنوع و حرام است؛ زیرا هر دوی شما منکر حق می‌باشید. (همان، ص ۵۲۹).

مناظره، یکی از ابزارهای نقش‌آفرین در عرصه تبادل آرا و اندیشه‌ها، همواره مورد عنایت و در دستور کار مبلّغان الهی بوده و آن بزرگواران، از آن در جهت اثبات حقانیت مذهب و ابطال افکار و عقاید فاسد مخالفان استفاده می‌کردند. مناظره‌های اهل بیت با علمای مذاهب مختلف، فراوان است که قسمتی از این مناظرات را مرحوم طبرسی در کتاب الإحتجاج نقل نموده است.

تأثیر مناظره و بحث در تأیید مذهب حق و تضعیف باطل، آن قدر است که در زمان هارون الرشید جلساتی برگزار می‌شد که متکلمان از هر فرقه و مذهبی در آن جمع می‌شدند و در باره ادیان و مذاهب خود مناظره و بحث می‌کردند. خبر این جلسات، به هارون الرشید رسید. او خواست به صورت ناشناس در یکی از این جلسات شرکت کند. هارون الرشید بعد از شنیدن مناظره هشام این چنین گفت: «مِثْلُ هَذَا حَيٌّ وَ يَبْقَى لِي مُلْكِي سَاعَةً وَاحِدَةً فَوَ اللَّهُ لَلْسَانُ هَذَا أَبْلَغُ فِي قُلُوبِ النَّاسِ مِنْ مِائَةِ أَلْفِ سَيْفٍ؛ اگر چنین شخصی زنده باشد، پادشاهی ساعتی برای من نخواهد بود. به خدا سوگند! تأثیر زبان این شخص در قلوب مردم، از صد هزار شمشیر بیشتر است» (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۳۶۸).

#### تشویق اصحاب به مناظره

امام صادق علیه السلام اصحاب و یاران خویش را به مناظره و مجادله با مخالفان تشویق می‌کرد؛ ولی اجازه این کار را تنها به کسانی می‌داد که به قدر کافی، توانایی و قدرت بحث و گفت‌وگو را داشته باشند؛ زیرا در غیر این صورت، به جای تقویت حق، باطل تقویت می‌شد و حق تضعیف می‌گردید.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام طیار می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: شنیده‌ام که مناظره ما را با مردم و کشمکش را ناخوش داری؟ حضرت فرمود:

«أَمَّا كَلَامُ مِثْلِكَ لِلنَّاسِ فَلَا نَكْرَهُهُ، مَنْ إِذَا طَارَ أَحْسَنَ أَنْ يَقَعَ وَ إِنُّ وَقَعَ يُحْسِنُ أَنْ يَطِيرَ، فَمَنْ كَانَ هَكَذَا فَلَا نَكْرَهُ كَلَامَهُ؛ از سخن کسی چون تو، هیچ ناخشنودی ندارم؛ یعنی کسی که اگر پرواز کند، می‌داند چگونه بنشیند و اگر بنشیند، می‌داند چگونه به پرواز درآید. پس، کسی که چنین باشد، ما سخن گفتش را کراهت نداریم» (کشی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۴۹).

### مناظره‌های امام صادق علیه السلام

«عصر امام صادق علیه السلام، زمانه برخورد اندیشه‌ها و پیدایش فرق و مذاهب مختلف بود و در اثر برخورد فرهنگ و معارف اسلامی با فلسفه‌ها و عقاید و آرای فلاسفه و دانشمندان یونان، شبهه‌ها و اشکال‌های گوناگونی پدید آمده بود. از این رو، امام صادق علیه السلام جهت معرفی اسلام و مبانی تشیع، مناظرات متعدد و پرهیجانی با سران و پیروان این فرقه‌ها و مسلک‌ها داشت و طی آنها با استدلال‌هایی متین و منطقی استوار، پوچی عقاید آنان و برتری مکتب اسلام را ثابت می‌کرد» (پیشوایی، ۱۳۸۰ ش، ص ۳۶۲ و ۳۶۳).

### نتیجه

امام صادق علیه السلام در برهه‌ای حساس، زمام امور را بر عهده گرفت و به‌عنوان رهبر شیعه، بهترین تأثیر را در هدایت داشت. امام برای موفقیت در تبلیغ دین مبین اسلام و رساندن پیام الهی، از روش‌های کارآمدی بهره برد که مطابق روش‌های مبلغان الهی می‌باشد. این روش‌ها برای مبلغان و پژوهشگران، بهترین منبع و الگوست تا بدانند در شرایط و زمان‌های مختلف، در تبلیغ دین چگونه عمل کنند.

با مطالعه در سیره تبلیغی امام صادق علیه السلام، روش‌های تبلیغی امام به صورت روشی هدفمند و قابل اجرا به نگارش درآمد که برای همه افراد مختلف کاربرد دارد. امام در روش‌های تبلیغی خویش بهترین راهکارها از جمله: حکمت، موعظه و مجادله را از آیه ۱۲۵ سوره نحل الهام گرفت و مورد استفاده قرار داده است.

روش «حکمت» در سیره تبلیغی امام صادق علیه السلام، شامل رعایت سه نکته کلیدی است: شایستگی مخاطب، ظرفیت مخاطب و مقتضی حال آنها. مهم‌ترین مؤلفه‌ها در روش «موعظه» در سیره تبلیغی امام صادق علیه السلام، بشارت و انذار، نصیحت، تکریم مخاطب، برخورد احساسی و خیرخواهی است و مراد از «مجادله»، روشی است که حضرت با استفاده از شیوه مناظره با توجه به شرایط خاص آن، به تبلیغ امر دین پرداخت.

## منابع

۱. قرآن كريم.
۲. ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن علي، ۱۳۷۹ق، مناقب آل أبي طالب عليه السلام، چاپ اول، قم، علامه.
۳. ابن حيون، نعمان بن محمد مغربي، ۱۳۸۵ق، دعائم الإسلام وذكر الحلال والحرام والقضايا والأحكام، چاپ دوم، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۴. ابن شعبه حراني، حسن بن علي، ۱۳۶۳ق، تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه وآله، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسين.
۵. ابن بابويه، محمد بن علي، ۱۳۸۵ش، علل الشرائع، چاپ اول، قم، كتاب فروشي داوري.
۶. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۶ش، الأمالي، چاپ ششم، تهران، كتابچي.
۷. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۳ق، معاني الأخبار، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامي.
۸. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۸ق، التوحيد، چاپ اول، قم، جامعه مدرسين.
۹. \_\_\_\_\_، ۱۳۶۲ش، الخصال، چاپ اول، قم، جامعه مدرسين.
۱۰. \_\_\_\_\_، ۱۳۹۵ق، كمال الدين وتمام النعمة، چاپ دوم، تهران، اسلاميه.
۱۱. اربلي، علي بن عيسى، ۱۳۸۱ق، كشف الغمة في معرفة الأئمة، چاپ اول، تبريز، بني هاشمي.
۱۲. بستاني، فؤاد افرام/ مهيار، رضا، ۱۳۷۵ش، فرهنگ ابجدی، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامي.
۱۳. پيشوائی، مهدي، ۱۳۸۰ش، سيره پيشوايان، چاپ دوازدهم، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام.
۱۴. حسن بن علي (امام يازدهم عليه السلام)، ۱۴۰۹ق، التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، چاپ اول، قم، مدرسة الإمام المهدي عليه السلام.
۱۵. حميري، عبدالله بن جعفر، ۱۴۱۳ق، قرب الإسناد (الطبعة الحديثة)، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.
۱۶. جعفر بن محمد (امام ششم عليه السلام)، ۱۴۰۰ق، مصباح الشريعة، چاپ اول، بيروت، اعلمي.
۱۷. ديلمی، حسن بن محمد، ۱۴۰۸ق، أعلام الدين في صفات المؤمنين، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام.

۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت، دار القلم/الدار الشامیة.
۱۹. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۵ش، فروغ ابدیت، چاپ بیست و یکم، قم، بوستان کتاب.
۲۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی، منیة المرید، چاپ اول، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.
۲۱. صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، چاپ دوم، قم، مکتبة آية الله المرعشي النجفي.
۲۲. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰ق، المیزان، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۹۰ق، إعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ سوم، تهران، اسلامیه.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، الأمالی، چاپ اول، قم، دار الثقافة.
۲۵. قرشی بنابی، علی اکبر، ۱۳۷۵ش، تفسیر احسن الحدیث، ۱۲ جلد، چاپ دوم، تهران، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر.
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، تفسیر القمی، چاپ سوم، قم، دار الکتب.
۲۷. کشی، محمد بن عمر، ۱۴۰۹ق، رجال الکشی، چاپ اول، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، چاپ چهارم، تهران، الطبعة الاسلامیة.
۲۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳ش، مجموعه آثار، چاپ چهارم، تهران، صدرا.
۳۰. مظفر، محمد رضا، ۱۴۲۰ق، المنطق، چاپ اول، قم، انتشارات دار الغدیر.
۳۱. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، الإختصاص، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۲. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۳ق، الفصول المختارة، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دار الکتب الاسلامیة.